

شاخ آزادی

جستاری پیرامون انواع آزادی در جوامع خودمانی و خودشانی

دکتر خلف اختلاف زاده، استاد کرسی مطالعات بینابینی خودمانی و خودشانی در کالج لندن (OldFox)

پس از بررسی و کنکاش زیادی که پیرامون آزادی و انواع آن داشتیم؛ برآن شدیم تا در این جستار برای درک بهتر انواع آزادی و اختلافات آن در بین خودمان و خودشان، مقایسه‌ای داشته باشیم.



رئیس‌زعی
طیروز داز

۱- آزادی فکر و اندیشه: مهم‌ترین و مبنایی‌ترین نوع آزادی است و در همه افراد جامعه بشری که ما در این جستار، آن را تبدیل به خودشانی و خودمانی یا همان جهان اول و جهان سوم کرده‌ایم، باید وجود داشته باشد.

متأسفانه در ممالک خودمانی، آزادی فکر و اندیشه به شدت سرکوب شده است و حکومت‌ها از آن می‌ترسند. تنها راه مبارزه و شکستن این خفقان، حضور مردم در جمع‌های شبانه خانوادگی یا دوستانه، فضای سبز، ساحل دریاها و یا هر جای دیگری است که فضای کافی برای تکانه‌های دسته‌جمعی وجود داشته باشد؛ زیرا بدون قیراصلاً امکان ظهور و بروز آزادی اندیشه نیست و اگر این آزادی با قیرو حرکات موزون خودش را بیرون نریزد، منجر به انسداد رگ‌های مغزی و زوال عقل خواهد شد. اما در ممالک خودشانی آزادی فکر و اندیشه کاملاً آزاد است و شما به دلیل افکارتان نه تنها تنبیه و سرکوب نمی‌شوید بلکه مورد تشویق هم قرار می‌گیرید؛ مثلاً شما بیایید و در مورد آثار بزاق مگس بر سوراخ شدن لایه اوزون بیندیشید و حتی کرسی درس برگزار کنید، بسیاری از نهادهای محیط زیستی به تشویق و حمایت از شما می‌پردازند. اینجا هر فکر و اندیشه‌ای آزاد است مگر اینکه شما بخواهید به چیزهای خلاف حقوق بشری فکر کنید مثلاً نعوذ بالله شک و تردیدی در مورد هولوکاست داشته باشید یا اینکه با خودتان فکر کنید کشورتان در خاورمیانه کار بد می‌کند، آن وقت ممکن است برخورد خیلی ملایمی با شما بشود که آن هم مقصرش خود افراد هستند. مثلاً یک نمونه از این برخورد ملایم و محترمانه راهنمایی شما به سمت درب خروج محل کار است که می‌تواند شامل دانشگاه یا خبرگزاری یا هر جای دیگری باشد؛ یا اینکه چند سالی در جایی که عوام به آن زندان می‌گویند، از شما پذیرایی می‌کنند. حتی اگر پیرزنی ۸۸ ساله باشید که در واقع این هم از لطف ممالک خودشانی است که پیرزن بیرون تنها نماند و بجای خرج کردن و رفتن به آسایشگاه سالمندان، در زندان، هم از تنهایی درمی‌آید و هم خرجش را می‌دهند.

۲- آزادی بیان: پرکاربردترین نوع آزادی است که هر کسی در هر مکان و زمانی از ننه، پدر، رفیق یا جاست‌فرندش قهر کرد، می‌تواند از نداشتن آن گلایه کند. نکته قابل تأمل این است که در مملکت خودمانی این نوع از آزادی به شدت محدود است و دهان‌ها را می‌بندند. متأسفانه این موضوع در فرهنگ ما ریشه دارد. مثلاً

حتماً این جمله را شنیده‌اید که می‌گویند «لعنت بر دهانی که بی‌موقع باز شود»؛ آخر چرا؟ مگر دست خود آدم است که دهانش چه موقع باز شود؟ پس آزادی دهان کجا می‌رود! یا هر موقع یک استاد دگراندیش دانشگاه می‌خواهد کلامی بگوید فقط به او یک تریبون می‌دهند و نه بیشتر! پس آزادی بیان کجاست؟ اجازه دهید یک نمونه دیگر برایتان بگویم، اگر استاد حقوقی یک توییت بگذارد و از چهار نفر که همین‌طوری قتلی مرتکب شده‌اند دفاع کند، حتی به غلط، کسی حق ندارد آزادی بیان را محدود کند و در کامنت‌ها او را بازخواست کند.

در غرب و جوامع خودشانی اما، آزادی بیان مثل دستمال کاغذی فراوان یافت می‌شود. مثلاً در ممالک خودشان اگر بخواهید آنچه که به آن «ادیان و مقدسات» گفته می‌شود و برای چند میلیون یا حتی میلیارد نفر مهم است را مسخره کنید، شما آزادید و این یکی از مصادیق آزادی بیان است و حتماً قابل تشویق هم است. حتی ناراحتی چند میلیارد نفر هم ارزش مقابله با آزادی بیان را ندارد. ولی اگر خدایی نکرده بخواهید این آزادی بیان را خرج مسائل ناچیز و پیش پا افتاده کنید و بحث‌های ناموسی راه بیندازید و در مورد مادرخرج‌های صهیونیستی حرف بزنید، لیاقت داشتن آزادی بیان را از دست می‌دهید؛ آخر به شما چه ربطی دارد مادرخرج کیست یا چه می‌کند؟! این سؤالات غیراخلاقی ممکن است باعث شود خیلی شیک و مجلسی و البته با احترام، اجازه حیات بر روی زمین را نیز از دست بدهید که کاملاً منطقی و بر طبق قانون است. پس مراقب آزادی بیان باشید و به خوبی از آن استفاده کنید.

۳- آزادی پوشش: پوشش یک محدودیت است و باید به انتخاب خود افراد باشد که چقدر می‌خواهند خودشان و افکارشان را محدود کنند. در کشورهای خودمانی می‌گویند که طبق قانون و چیزی به نام عرف است که البته اینجانب هیچ اعتباری برای هر دو قائل نیستم و هر کسی آزاد است که هرچقدر بخواهد بپوشد یا نپوشد؛ حتی اگر مریض شود. جامعه نیز اگر می‌خواهد از آزادی تن به آزادی فکر برسد، باید حتماً به آن معترض باشد.

در کشورهای خودشانی ولی همه چیز طبق قانون است و حتی ارتفاع ناخن، رنگ لباس و چاک لباس را اگر بخواهند در محیط کار یا دانشگاه، می‌توانند مشخص کنند. اینجانب بعد از مشاهدات خیابانی و پشت فرمانی به این نتیجه رسیدم که قانون در مملکت‌های خودشانی عین آزادی است و بر طبق آزادی نوشته شده، مگر می‌شود در مهد آزادی قانونی خلاف آزادی وجود

داشته باشد؟ حتی مجازات‌ها، محدودیت‌ها و جنگ‌هایشان هم بر اساس همین اصل آزادی است. پس باید در جوامع خودمانی به خودشان کاملاً احترام بگذاریم و اعتماد کنیم و تنها کاری که برای پیشرفت انجام دهیم کار با Ctrl + C باشد. مثلاً در پاریس، هرطور بخواهید می‌توانید نپوشید. اما اگر بخواهید آزادی را نقض کنید و قانون را زیر پا بگذارید و با پوشاندن تمام بدن خود به دانشگاه بروید، اصلاً اجازه ورود به شما نخواهند داد که برای حفظ آزادی کار بسیار درستی است. دلیلش هم این است که... یعنی... آها! دانشمندان ثابت کرده‌اند!

۴- آزادی عمل: در کشور خودمان متأسفانه اصلاً آزادی عمل وجود ندارد و تا کسی بخواهد سنگی برای ورزش و تقویت عضلات جلو بازو در خیابان پرتاب کند و یا سطل آشغالی بلااستفاده را برای گرم شدن و شادی جمعی آتش بزند، بلافاصله سرکوب و با او برخورد می‌شود. اینجاست که باید فرهنگ‌سازی کنیم تا آزادی عمل در جوامع خودمانی به رسمیت شناخته شوند. یعنی چه که یک خبرنگار به قدری آزادی ندارد که بتواند شایعه پراکند یا با هر سرویس خارجی که دوست داشته باشد، همکاری کند؟

آزادی عمل را باید کمی از کشورهای خودشانی یاد بگیریم. مثلاً در آمریکا حتی یک دانش‌آموز به اندازه‌ای آزادی عمل دارد که می‌تواند با خودش اسلحه به کلاس درس ببرد. خیلی مهم است که حق داشتن آزادی عمل را از کودکی به فرزند خود بیاموزیم. شاید به بچه فشار روحی بیاید و بخواهد با چهارتا تیر به این طرف و آن طرف زند، از زیر فشار خارج شود. حالا ممکن است در یک جایی هم اشتباهی یک معلم یا دانش‌آموز دیگری را با تیر به رحمت حق بپیونداند. باز هم طبق جدول ارزش‌گذاری، ارزش خارج شدن فشار روحی از روی شانه‌های یک دانش‌آموز که می‌تواند آینده‌ای درخشان داشته باشد، بیشتر از ارزش جان یک معلم است که اگر نباشد یکی دیگر جای او را پر می‌کند. اینجا هم باید دقت لازم را داشته باشید که این آزادی را خرج اهداف پوچ و ریختن در خیابان و سر دادن شعارهای هنجارشکن علیه ممالک خودشانی نکنید که در آن صورت به خاطر آزادی، مجبور به حذف پارازیت‌های مخمل آزادی خواهند شد.

امیدوارم که با انواع آزادی به خوبی آشنا شده باشید. به امید روزی که از کشورهای خودشانی یاد بگیریم و به آزادی احترام بگذاریم.